

انقلاب اجتماعی- ۲

ملغی گردید و مالکیت خصوصی جای آنرا گرفت. این بار نیز تاریخ بشر اولین بار نظام غیر عادلانه جای نظام عادلانه را گرفت. با این تفاوت که در سال ۱۹۱۷ مردم بشکل آگاهانه نظام بورژوازی را کنار زدند و نظام جدیدی را جای گزین آن کردند ولی در اواخر قرن ۲۰ مردم غافلگیر شدند و این تغییر از بالا و با اعمال قهر صورت گرفت. اما با گذشت زمان مردم به اشتباه خود پی برد ولی این آگاهی برای کنار زدن نظام غیر عادلانه کافی نیست اما می تواند سر آغاز نبرد بشمار آید.

با این همه تغییر نظام در روسیه بمعنی تغییر عقاید و خواسته‌های توده مردم نیست. تحولاتی که در جهان رخ می دهد نشانگر آنست که کهنه ها نمی توانند مانند گذشته فرمانروائی کنند توده های مردم نمی خواهند زیر یوغ فرمانروایان باقی بمانند این وضع خواست ذهنی توده ها نیست بلکه باقانونمندی اجتماعی ارتباط نا گسستگی دارد.

رشد جامعه به جایی رسیده است که امکانات پیشرفت از میان رفته است میکانیزم از کار افتاده است. دستگاه حکومتی نمی تواند آنرا مرمت کند بنابراین لازم است میکانیزم نو راه انداخت سیستمی را بکار گرفت که مورد قبول اکثریت افراد جامعه باشد. قرن ۲۱، قرن آگاهی بیشتر توده مردم است که هم در تئوری و هم در عمل می دانند که نظام موجود حق حیات را از دست داده است. اگر در قرن ۱۹ ایدیولوژی مردمی مانند کابوس در اروپا

این تغییر و تحول می تواند توسط اعمال قهر و یا بدون توسل به قهر انجام گیرد. انقلاب در قرن ۱۹ و ۲۰ با توسل به قهر انجام گرفت. این انقلاب ها انقلاب واقعی بودند. زیرا هم تحول سیاسی و هم تحول اجتماعی را در بر میگرفتند و یک سیستم سیاسی را با زیر بنای اجتماعی بوجود می آوردند. در این قبیل انقلاب ها تکامل جهشوری بوقوع می پیوست که آن را فورماسیون (صورتبندی) جدید می نامند.

قانونمندی طبیعی امکان نمی دهد تحول نو برای همیشه در یکجا در جا بزند. زیرا حرکت طبیعی به رشد طبیعی می انجامد. چنین بود انقلاب بورژوازی و چنین است انقلاب ضد بورژوازی.

در روسیه انقلاب ۱۹۱۷ انقلاب ضد بورژوازی بود. این تحول نونخستین تحول اجتماعی در تاریخ بشر بود که اولین بار گروه کوچکی محروم شده از ثروت باد آورده. ابزار تولید را در دست طبقه خود قرار دادند و آنرا به حرکت در می آورد. بدین وسیله ثروت ملی در اختیار همه مردم زحمتکش قرار گرفت و به شکل عادلانه میان مردم تقسیم شد.

در اواخر قرن ۲۰ تحول دیگری در روسیه و قسمتی از کشورهای اروپای شرقی رخ داد و بدین وسیله ورق عوض شد روی دیگر ورق سیستم اجتماعی ترسیم شد که ثروت ملی (وسایل تولید) با یک ضربه قهر آمیز در دست افراد جداگانه قرار گرفت. بدین وسیله مالکیت عمومی بر ثروت ملی

انقلاب اجتماعی- ۲

در چنین جمعیتی جائی برای قطب بندی باقی نمی ماند. فقر و گرسنگی جای خود را به رفاه عمومی می دهد. تشدید بحران سرمایه داری و عدم راه برون رفت از این بحران پایه عینی آگاهی همگانی مردم از طرف دیگر پایه ذهنی این تحول را تشکیل می دهد. بعبارت دیگر ضرورت تاریخی است که این تحول را مطرح می کند.

در گردش بود. قرن ۲۱ نه کابوس بلکه عقیده و ایدیولوژی مردمی در سراسر جهان در حال گردش است. مردم جهان با چشم خود دیده است میتوان ثروت ملی را بشکل عادلانه تقسیم کرد. زمانی که گروه کوچک از اریکه قدرت بر کنار می شود جای آنرا اکثریت می گیرد. در این صورت بالائی و پائینی ها معنی و مفهوم خود را از دست می دهد. همه بعنوان شهروند برابر حقوق مملکت را اداره می کنند.

۱- لاهرودی

قطعه نامه ضد ایرانی

۹ ماه ژوئن شورای امنیت سازمان ملل برای پنجمین بار قطعنامه ضد ایرانی را تصویب کرد. این قطعنامه بدین سبب ضد ایرانی است که در وهله اول علیه مردم ایران است زیرا حلقه محاصره اقتصادی مالی و فنی ایران تأثیر بسیار منفی روی وضع زندگی مردم بویژه مردم کم در آمد خواهد گذاشت. بیش از ۶۰ درصد واردات ایران مواد غذایی و سایر کالاهای مورد نیاز اولیه است ایران در عین حال کشور در حال رشد است که اقتصاد آن از طریق بازرگانی به زایده اقتصاد جهانی مبدل شده است. دولتتهائی که ایران را زیر فشار قرار میدهند در ظاهر امر میخواهند که ایران باید غنی سازی اورانیوم را متوقف سازد برای بکار انداختن نیروگاه اتمی اورانیوم سوخت مورد استفاده را از خارج وارد سازد. در غیر این صورت ایران قصد دارد. با غنی سازی اورانیوم به سلاح اتمی دست یابد. اگر این فرضیه درست باشد ایران مسلح به سلاح اتمی چه خطری برای منطقه و برای جامعه جهانی در بر خواهد داشت. در واقع امر هیچ خطری نخواهد داشت.

ایران صرفنظر از بلند پردازیهای احمدی نژاد و بیانات تند و ضد آمریکا آن نه برای آمریکا نه برای اروپا بویژه نه برای منطقه هیچگونه تهدیدی در پی نخواهد داشت.

جهان ما ۶۵ سال است به زاردخانه اتمی تبدیل شده است سلاح های اتمی آمریکا و روسیه با داشتن موشکهای قاره پیما میتواند با وارد کردن اولین ضربه زمین را از مدار خود خارج کنند و زندگی در این کره را پایان دهند. ادامه در ص ۴

قطعه‌نامه ضد ایرانی

تصویب کنندگان این قطعه‌نامه این واقعیت را نیک می‌دانند چون دنبال واقعیت یابی نیستند هر عمل دولتهای مخالف را طرد می‌کنند و برای کوبیدن آن دنبال بهانه ای هستند و این بهانه برای زدن آن یعنی ایران کافی است.

۸ سال قبل حادثه ۱۱ سپتامبر بهانه «ایدالی» شد برای کوبیدن حکومت در افغانستان آمریکا توانست حکومت طالبان را سرنگون کند اما نتوانست و نخواهد توانست پیکار جویان طالبان را سرکوب کنند و افغانستان را به عنوان پایگاه برای تهدید همسایگان آن در دست داشته باشد آمریکا و هم پیمانان آن بهانه کردند که صدام حسین قصد دارد به سلاح کشتار جمعی دست یابد و بدون توجه به افکار عامه به عراق حمله کرد و این کشور ثروتمند را به ویرانی کشاندند.

سومین هدف ایران است. دو جنگ جنایتکارانه ای که جورج بوش جاه طلب جمهوری خواه مرتکب آن شد برای آمریکا به جز شرمساری چیز دیگری بدست نیاورد. باراک اوبامای سیاه پست دموکرات نیز مانند جورج بوش بهانه را پیدا کرده و میکوشد ایران را هدف تیر قرار دهد. نخست با تحریم اقتصادی مردم ایران تحت فشار و مضیقه اقتصادی قرار دهد و در صورت دست نیافتن به هدف تجربه عراق را در کشور کهن سال بکار گیرد. مردم ایران میتوانند و باید این بهانه ویرانگر را از دست امپراطوران آمریکا و هم پیمانان آن خارج کنند.

«جام جهانی فوتبال و تفاوت‌های آن با دوره های نخستین»

نوزدهمین دوره جام جهانی فوتبال که در افریقای جنوبی جریان دارد، تفاوت‌های بسیار زیادی با دوره های قبلی بویژه با مسابقات دهه های قبلی دارد. هر دوره از این مبارزه ورزشی بیشتر از دوره قبل روح و فلسفه خود را از دست داده و بیشتر شیوه جنگ و ستیز کلاسیاتورها را بخود می‌گیرد. ورزش فوتبال یکی از معجزات بزرگ یکی از

دست آوردهای بشری است، در بازی فوتبال فلسفه جمع گرایی بر فلسفه فرد گرایی چیره میشود ضمن اینکه هر باز یکن باید در شرایط ایده ال ورزشی و آماده گی بدنی و صاحب تکنیک و تاکتیک و مهارت فردی باشد در عین حال باید همه این امکانات در خدمت تیم خود قرار بگیرد و همه ویژگیهای فردی

ادامه در ص ۵

«جام جهانی فوتبال و تفاوت‌های آن با دوره های نخستین»

بازیکنان توسط دلان بین المللی در معرض خرید و فروش قرار می‌گیرد و ورزش فوتبال را نا زیبا میکند. در جام جهانی امسال ما نتوانستیم پله ها، لئویشین ها، اوزوبیوه ها، گارنیشا ها، بکن باوئر ها و بابی مورها را و... ببینیم علاوه بر این بازی تیم ها از روانی و یکدستی و زیبایی دور بود. و بجای نمایش جوانمردی، قدرتمندی، هنر نمایی، جمع گرایی و بیگ سخن یک فوتبال خوب بازیهای نمایش گذاشته شد که کمتر از محتوای فوتبال بمعنی اصلی و دقیق آن بر خوردار بودند!

شکست تیم های صاحب نام و مدعی قهرمانی در مراحل ابتدائی بیانگر تاثیر بحران ساختاری سرمایه داری و معالاً تاثیر آن بر ورزش بویژه فوتبال این کشورهاست عملکرد تیم فرانسه در این دوره از مسابقات بخوبی نشان داد که فرانسه سارکوزی زده در چه وضعیت نا بسامانی قرار دارد. تیمهای انگلستان، آمریکا که نه بخاطر ورزش فوتبال که بلکه برای مطرح کردن این کشورها و نشان دادن قدرت سیاسی نظامی و اقتصادی کشورشان بهردری زدند نتوانستند خواست صحنه گردانهای پشت پرده را عملی سازند حال آنکه هر دو تیم از توانیها و مهارت های زیادی بر خوردار بودند و می توانستند بدور از هر گونه نتیجه یعنی برد یا باخت فوتبال خوب و زیبایی را از خود نشان دهند در پایان باید گفته شود که فوتبال این دوره از جام جهانی نا زیبا و بیاد ماندنی و جذاب نبود در این دوره قهرمانان اساطیری که رفتار و جوانمردی هنر و مهارت آنان

ایش را در راه پیروزی جمعی بکار بگیرد. امری که در اجتماع و جامعه و روند پیشرفت تاریخ اهمیت زیادی دارد گذشت از منافع شخصی و اندیشیدن به منافع جمعی بازی فوتبال را یک ورزشی انسان ساز میکند که نمیشود بدون برنامه و هدف آن را پی گرفت. مربی و کوچ فنی هر تیم ضمن بهره گیری از همه استعدادها و امکانات علمی و فنی، بیولوژیکی تمام نقاط ضعف و قدرت تیم حریف را دقیقاً مورد بررسی قرار داده و برای پیروزی بر حریف همه اهرمهای لازم را بکمک می‌گیرد. قواعد و قانون بازی فوتبال بشکلی است که هر باز یکنی با آگاهی کامل از آنان میکوشد دچار خطا نشود و تیم خود را در شرایط دشواری قرار ندهد. مسئله ایی که در جامعه نیز باید بصورت دقیقی آن را اجرا کرد. از اینها که بگذاریم هم مهارت های فنی و هنری و تکنیکی بازیکنان و هم بازی جمعی تیم که لبریز از زیباییهای و هنر نمایها است موجب شادی و سلامت روح و روان تماشاچی ها میگردد. متاسفانه فوتبال امروز در سطح جهانی روزیه روز از این حیظه خارج شده و بصورت یک کالا در می آید که سرمایه داری جهانی برای کسب در آمد بیشتر از این ورزش آن را از محتوای فلسفی خود خارج کرده و از قدرت و هنر بازیکنان فوتبال در جهت کسب در آمد سوء استفاده کرده و به استثمار آنها می پردازد در سیستم سرمایه داری جهانی همانگونه که تن فروشی توان فروش و استثمار فرد بر فرد دیگر حاکم است در عرصه ورزش فوتبال نیز هنر مهارت و تکنیک

«جام جهانی فوتبال و تفاوت‌های آن با

دوره های نخستین»

بلکه بخاطر منافع سرمایه و نظام سرمایه داری بود نتیجه کاملاً معکوس نشان داده شد. علیرغم اینکه کدامیک از تمهای آلمان، هلند، اسپانیا قهرمان این دوره شوند سطح این دوره از مسابقات پائین، بیشتر بازیهای عاری از زیباییهای سحرانگیز فوتبال و هنر نمایی جا دو گران توپ گرد و زمین‌های سر سبز بود.

علی

می توانست چند نسل بعد از خودشان را به فوتبال و فلسفه آن علاقمند سازد در این دوره غایب بودند و شاید نسل آنها رو به انقراض گذاشته از این مهم تر سطح عمومی جام جهانی نسبت به دوره های قبلی بسیار پائین تر بود و این در حالیست که کشورها از امکانات فنی و علمی زیادی بهره گرفته بودند اما از آنجا که این بهره گیری نه در جهت مردمی و خلقی

روسیه و بلاروس

تولید میشود. این موفقیت از آنجا ناشی میشود که سیستم کشاورزی در بلاروس متکی به شرکت های تعاونی است. در بلاروس مالکیت زمین در دست دولت است. بدین سبب در روستاها برای کادری متخصص خانه های مدرن ساخته میشود. در روستاهای بلاروس زیر ساخت های مدرن راه را برای رشد کشاورزی هموار میکند. در بلاروس هزارو صد شهرک کشاورزی ساخته شده است. بر عکس در روسیه با مالکیت خصوصی بر زمین ۱۷۰۰۰ روستا از میان رفته است. ۱۰۰۰۰ روستا در شرایط فقر زندگی میکنند. در بلاروس موسسات بزرگ صنعتی در دست دولت است. این موسسات مداوماً مدر نیز میشوند. کارخانه ای بلاروس (BELAZ) یک سوم بازار جهان را کنترل میکند. این اوتوموبیل‌های سنگین به پنجاه کشور صادر میشود. تراکتورهای بلاروس در ۷۰ کشور جهان مورد استفاده کشاورزان قرار گرفته است. همه این ها امکان میدهد. بلاروس نیازهای اجتماعی را تأمین کند.

دو کشور همسایه با سیستم مختلف اجتماعی در کنار هم قرار گرفته اند. روسیه بزرگ ترین کشور با کوچک ترین همسایه خود یعنی با بلاروس در حال ستیز و درگیری سیاسی و اقتصادی است. چرا؟ برای این که بلاروس با گامهای بلند لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیش میرود. این کشور کوچک در میان جمهوریهای سابق شوروی سطح تولید ناخالص خود را به سطح ۱۹۹۰ رسانده است. محصولات و تولیدات خود را در رشته های مختلف بخصوص در رشته کشاورزی به حد کافی بالا برده است. اگر روسیه هر سال مبلغ ۳۰-۳۵ میلیارد دلار برای واردات محصولات مصرفی از خارج پرداخت میکند. بلاروس بر عکس مازاد محصولات خود را به مبلغ ۳ میلیارد دلار صادر میکند. روسیه از جمله کشورهای است که مواد مصرفی از بلاروس وارد میکند. بلاروس با استفاده از تکنولوژی ۵، ۱۰ بار نسبت به روسیه بیش تر محصول برداشت میکند. گوشت در بلاروس نسبت به تک - تک اهالی دو بار بیش تر و شیر ۳ بار بیش تر از روسیه

باید خود را برای رویاروی بلایای فاجعه آمیز آماده کرد.

بیش از آن نمیتواند جلو برود. ما در حد بالای مصرف انرژی، حد بالای مصرف مواد غذایی حد اکثر سطح مصرف آب آشامیدنی رسیدیم. در رشته های دیگر نیز در همین سطح است. ما در عالم تخیل زندگی میکنیم و خیال میکنیم که رشد اقتصادی هم چنین ادامه خواهد یافت. سال گذشته به محض آغاز بحران انتقاد وسیع سیستم جهانی شدن را شاهد بودیم. بویژه اقتصاد راستگرا جنبه ویژه داشت. انتقاد ادامه داشت. اما بدیل چپ پیدا نشد. در کل ضرورت ندارد. چرا بدیل چپ وجود ندارد. تخیل درباره ترقی بدون وقفه برای چپ ها و راستها همگون بود. حتی در آثار مارکس مسئله مربوط به حد و حدود رشد نوشته نشده. در عین حال دست یافتن به فاز معین رشد زمانی که منابع پایان می یابد رشد باید متوقف شود. این کار با تصمیم گیری سیاسی ارتباط ندارد. علت طبیعی با قوانین فیزیکی، بیولوژی و شیمی مربوط است. در ماهیت امر ما طبیعت را نابود میکنیم. برای همین منظور بدیل چپ نمیتواند وجود داشته باشد. بشریت تا حدی جلو رفته است که به آن بن بست میگویند. در غیری این صورت فاجعه زندگی میلیاردها انسان را تهدید نمی کرد. ما در نقطه قرار گرفته ایم که تغییر تمدن ضرورت پیدا میکنند. نه چپ نه راست بلکه عقل را در برابر بی عقلی قرار داده. برای کره زمین نه

ادامه در ص ۸

مصاحبه روزنامه نگار سرشناس ایتالیا با همین تیتر در یکی از روزنامه های مسکو چاپ شده است. ما قسمت دوم این مصاحبه را ترجمه کرده بطور خلاصه در اختیار خوانندگان قرار میدهیم.

بحران اقتصادی که سراسر جهان را فرا گرفته است محتوی اصلی این مصاحبه را تشکیل میدهد. در این مصاحبه گفته میشود.

یکی از وظایف رسانه های گروهی عبارت از آن است که انسانها را نه تنها در جریان حوادث گذشته و حوادث امروز میگذارند که بلکه در جریان حوادثی که در آینده رخ خواهد داد قرار میدهند تا انسانها خود را آماده کنند. بحران موجود شدید است. بحران که تازه آغاز میگردد. اگر میلیونها انسان بدانند که در آینده نزدیک چه تغییراتی رخ خواهد داد خواهند کوشید خود را در مقابل عواقب آن حفظ کنند. متاسفانه وسایل اطلاع رسانی در جهان حتی در روسیه این کار را انجام نمیدهند. حتی درباره پایان یافتن بحران سخن به میان می آورند. این بر خورد نادرست است. اکنون ما در آغاز شروع بحران هستیم. اینک ما شاهد سر آغاز بحران تاریخی هستیم. بحران آغاز شده که تاکنون سابقه نداشته. بشر را اولین بار در فازی قرار داده که مدل قبل رشد دیگر نمیتواند پاسخگوی آن باشد. زیرا حجم مصرف بشر به حد اکثر در سطح ممکن رسیده است. رشد اقتصادی به حدی رسیده است که

باید خود را برای رویاروی بلایای فاجعه

آمیز آماده کرد.

ما ۱۵ سال فرصت داریم باید در مقیاس جهانی تصمیم گرفت. متأسفانه دولت های بزرگ چنین تصمیمی را نمیگیرند. برای این که شهروندان آنها یعنی آمریکا و چین در عالم تخیل زندگی میکنند. واقعیت را نمیفهمند. اوپاما ممکن است این واقعیت را بفهمد اما مردم آمریکا علیه این تغییرات خواهند بود نمیتوان آمریکاییها را قانع کرد که پس از این بهتر زندگی خواهند کرد. در پایان این مصاحبه خطاب به انسانها گفته میشود. ما فوق امکانات زندگی کردیم. حالا منابع زندگی پایان میابد. ۱۵- ۲۰ سال وقت لازم است تا پروسس را بشود متوقف کرد. باید ساختمان یک جامعه مدنی دیگری را در پیش گرفت. اگر چنین نباشد بلایای فاجعه آمیز از کنترل بیرون خواهد شد.

ترجمه از لاهرودی.

راست نه چپ بلکه بدیل عمودی لازم است.

در این مورد نقش اطلاع رسانی مهم است. زیرا باید به مردم کمک کرد تا با وضع آشنا شوند. درجهان تخیل مردم بطور اکثریت گرفتار آن هستند مقصر در اینکار وسایط ارتباط جمعی است. در پنجاه سال اخیر مصرف جنبه تقدس پیدا کرده است. در غرب بجای ساختن جامعه مدنی جامعه مصرف را به وجود آوردند. یعنی جامعه باید. بیشتر مصرف کند. پول و مصرف دو چیزی است که انسانها آن را قبول کرده اند. در کل علت پروبلم ما همین جا است که بشریت ابزاری اختراع کردند که بکار بردن آن غیر ممکن است. برای این که این کار با قانون طبیعت جور در نیاید. بشر پول را اختراع کردند. اما پول را میتوان بدون حد تولید کرد. اما در جهان واقعی محدودیت دارد. پول وسیله است که میتوان آنرا همیشه افزایش داد.

ایران در آئینه مطبوعات جمهوری آذربایجان

در رابطه با تحریم های جدید ایران از سوی شورای امنیت ضیافت احمدف معاون مجلس آذربایجان طی مصاحبه ای در این رابطه بیان کرد که «حل مسئله ایران» از راههای غیر مسالمت آمیز امکان پذیر نیست. روزنامه «آزادلیق» طی سر مقاله ای بنام «احمدی نژاد چشمه های را بست و دهانش را باز کرد. به جنگ تبلیغاتی و روانی بین ایران و آمریکا اشاره کرده است. روزنامه «آراز» مقاله ای تحت عنوان شرق نزدیک و مشکل آتمی می نویسد ایا پس از ایران اسرائیل نیز مورد توجه قرار خواهد گرفت؟

روزنامه اکسپرس در مقاله ای مینویسد. «کشوری که قدرتمند میشود» روسها و عرب ها ایران را فروختند و اردوغان پیروز شد. روزنامه سه نقطه می نویسد واشنگتن هنوز هم در پی ایجاد مناسبات دیپلماتیک با ایران است. روزنامه سه نقطه همچنان در نوشته ای بنام «ایران رام خواهد شد» می نویسد ایران خواهد کوشید قبل از اجرای تحریم ها بر سر میز مذاکره بنشیند. و...

بمثابه مظهر بی عدالتی و همسرش پس از یکساعت گفت کو، نشستن هواپیمای یک موتور در میدان سرخ، حادثه چرونی بیل و حادثه ای که در زیر دریای شوروی روی داد، انقلاب مخملی، تکه تکه کردن بالکان و.. نهایت فروپاشی شوروی، از سریالهایی است که در جلو چشمان جهانیان روی داد از آن دوران بیست و چند سال میگذرد. در این سالها سرمایه داری جهانی در عمیق ترین بحران ساختاری خود فرو رفت. در قلب آمریکا بر جهای دو قلوبی تجارت جهانی یا بوسیله خود آمریکائیا و یا بوسیله کسانیکه نسبت به عملکرد آمریکا واکنش خشم گینانه ای داشتند با خاک یکسان شد، موج ترور سراسر جهان را فرا گرفت. آمریکا انگلستان، فرانسه، آلمان و... در ورطه ور شکستگی دولتی قرار گرفتند. در یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتقال و... سیاست ریاضت اقتصادی بمورد اجرا در آمد و این در حالیست که از مخارج ضروری بودجه کشورهای چون انگلستان به مقدار قابل توجهی کسر میشود. اینک رهبران کشورهای بسیار بدهکار اما ثروتمند دور هم جمع شده اند تا چاره اندیشی کنند و جهان سرمایه داری را از مصیبتی که دچار آن شده است. رها سازند. اما همانگونه که در جلسات قبلی راه حلی یافت نشد، این بار نیز نه گروه ۸ و نه گروه ۲۰ کاری از پیش نخواهند برد. چرا که سرمایه داری جهانی نظامی بی آینده و رو به زوال است.

مشاهده چی

۸ + ۲۰ و لاینحل ماندن بحران

شدید ترین تدابیر امنیتی برای بر گزاری نشست بزرگترین قدرتهای سیاسی، مالی و اقتصادی دنیا!!!!؟؟؟ این همه قدرت و این همه وحشت عجب تضاد و تناقضی؟ در آستانه این نشست در تورنتوکانادا سلاح جدیدی که آخرین دست آورد سرمایه داری جهانی برای متفرق کردن سپاه و لشگر مظلومان، گرسنه گان و استثمار شوندهگان تهیه شده بود مورد استفاده قرار گرفت. استفاده از این سلاح صوتی که امواج صوتی کر کننده ای را تا مسافت زیادی ایجاد می کند حکایت از این دارد که سرمایه داری جهانی و متخصصین وابسته به آن در نهانخانه های امنیتی و نظامی خود روی چه سلاح ها و ابزاری کار میکنند تا بوسیله آنها بتوانند امنیت خود را تامین کنند.

۲۶ ژوئن ابتدا ۸ کشور صاحب قدرت جهان بدور هم گرد آمدند تا راه حلهایی برای خروج از بحران ساختاری سرمایه داری پیدا کنند. قرن بیست و یکم با شگفتیهای زیادی آغاز شده و بدون شک با شگفتیهای زیادی ادامه خواهد یافت. سرمایه داری که «مرگ» سوسیالیزم را جشن گرفته بود اینک زوال و مرگ خود را نظاره میکند.

در دهه های آخرین قرن ۲۰، جامعه کشورهای سوسیالیستی در میان هیاهو و تبلیغات گوش خراش سرمایه داری جهانی در هم ریخت رقص پایکوبی در کنار دیوار برلین اعدام چآشسکو

جای گاه روسیه در جهان یک قطبی

شده بود. مردم نیز آگاهی وسیع نداشتند و نمی فهمیدند که این ثروت مال خود آنها است. بنابراین تبلیغات از خارج نیز روی آنها تأثیر منفی می‌گذاشت در اینجا اختلاف میان شرق و غرب اختلاف سیاسی نبود. بلکه اختلاف ایدئولوژیک بود.

علاوه بر اینها موجودیت روسیه شوروی منافع سرمایه داران جهان غرب را در قبال کشورهای جهان سوم مورد تهدید قرار میداد. این دو عامل خارجی و داخلی دست به هم داد. سیستم اجتماعی روسیه شوروی را از میان برد. در این درگیری سرنوشت ساز عامل داخلی نقش تعیین کننده داشت. بعبارت دقیق تر دستگاه قدرتمند حزبی و دولتی تغییر ماهیت دادند و با استفاده از نا آگاهی مردم همچنین با پشتگرمی به سرمایه داری غرب روسیه را داغون کردند مستعمرات سابق روسیه تزاری و جمهوریهای بعدی شوروی با یک فرمان از مسکو استقلال خود را بدست آوردند. ثروت بیکران کشور میان گروه کوچک تقسیم شد و سرمایه داری عقب مانده در روسیه احیا گردید.

نفوذ غرب نیز در روسیه از پا افتاده بالا گرفت. اقتصاد روسیه بزائده اقتصاد غرب تبدیل گردید. کارخانه ها و موسسات بزرگ در روسیه از میان رفت. حالا روسیه به غرب مواد خام صادر میکند. با پرداخت میلیاردها دلار از غرب مواد مصرفی وارد میکند. ادامه در ص ۱۱

روسیه تاریخ پریپچ خم هزار ساله خود را پشت سر گذاشت در این سالها بویژه در اوایل شکل گرفتن دولت از سوی غرب مورد حملات مداوم ژرمانها و از سوی شرق تاتار و مغولها قرار گرفته ۳۰۰ سال تحت تسلط خارجیان بسر برده است. تنها از قرن ۱۶ حکومت در روسیه شکل گرفت، و با جنگهای اشغالگرانه اراضی خود را توسعه داده و به یک قدرت بزرگ استعماری در آسیا و اروپا مبدل شد.

ژرمنها در مرکز اروپا قرنهای متمادی چشم به اراضی اسلاوها دوخته و برای همین منظور بارها با روسیه وارد جنگ شده اند. آخرین و تعیین کننده ترین جنگ میان آلمانها و روسیه شوروی در اواسط قرن ۲۰ رخ داد. این جنگ قدرت روسیه شوروی را به حدی بالا برد که این کشور به یکی از دو قدرت جهانی مبدل شد و بدون نظر آن هیچ مسئله ای بغرنج نمی توانست حل شود.

روسیه شوروی بدین سبب مورد حمله ای سیاسی و تبلیغاتی رقبای غربی خود همچنین معترضین علنی و مخفی در داخل روبرو شد. چرا؟ غربی ها علیه روسیه شوروی مبارزه میکردند. جواب این سوال خیلی ساده است. در شوروی سرمایه داری و سیستم ارباب رعیتی از بین رفته بود. در این کشور ثروت ملی در اختیار دولت جمع

اینک روسیه در چنین جای گاهی قرار دارد.

روسیه و آمریکا

روسیه صرف نظر از موقعیت ضعف خود در سیاست جهانی بزرگ نمائی میکند. در مقابل آمریکا می ایستد و چنان وانمود میکند که دو کشور در سیاست جهانی موقعیت همگون دارند. روسیه در گروه هشت (بزرگترین کشورهای جهان) شرکت میکند اما این بدان معنی نیست که روسیه از لحاظ اقتصادی یکی از بزرگترین کشور جهان است.

سرمایه داری جهانی از جمله گروه هشت با بحران عمیق در گیری است. با جمع شدن گروه هشت پشت سر آن گروه بیست نمیتواند. بیماری مزمن سرمایه داری را حل کند این بیماری علاج ناپذیر است. این بیماری روسیه را نیز در بر گرفته است. یونان، پرتغال، اسپانیا ده ها میلیارد آورو بدهکار هستند. یعنی سرمایه داری در اروپا بزانو در میاید. در چنین وضع اقتصادی اجتماعی و سیاسی بزرگ نمایی روسیه خنده آور است. اگر چاه های نفت در روسیه خشک شود نه اسمی و نه رسمی از روسیه باقی نخواهد ماند.

با این همه روسیه مدعی باز گشت به دوران امپراطوری است و میخواهد مناطق نفوذ سابق همچنان محفوظ بمانند. جمهوریهای قفقاز آسیای مرکزی و اوکراین جزئی از این مناطق است. روسیه با آمریکا زبان مشترک پیدا کرده است. از این به بعد هیچ یک از جمهوریهای سابق شوروی به عضویت ناتو در نمی آید. اوکراین و گرجستان خود را آماده میکردند.

وارد ناتو شوند. جنگ روسیه با گرجستان همچنین تغییر رژیم در اوکراین مانع آن شد که این دو کشور در ناتو عضویت پیدا کنند. بدین ترتیب غرب بخصوص آمریکا در این مورد در برابر روسیه عقب نشینی کردند. در برابر آن روسیه فضای خود و راه های زمینی خود را برای کمک رسانی به افغانستان در اختیار آمریکا قرار داده است. بدین وسیله دو امپراطوری (آمریکا و روسیه یکی از قدرتمندترین امپراطوریهها، امپراطوری دوم از پا افتاده یعنی روسیه به توافق رسیده اند که در یک چارچوب محدود در تقسیم دایره نفوذ زبان مشترک پیدا کنند.)

حقوق ملت‌های ساکن ایران تأمین باید گردد!

تفاوت بین مک کریستال با دیوید

پطریوس

باراک اوباما رئیس جمهور دموکرات آمریکا، مک کریستال فرمانده آمریکایی نیروهای خارجی مستقر در افغانستان را بعلت بی احترامی به شان دولت آمریکا به کاخ سفید فرا خوانده و پس از ساعتی گفتگو او را وادار به استعفا کرد. «منادیان»، «حقوق بشر» و «دموکراسی» که شب روز بر سر مردم افغانستان بمب می ریزند ظاهراً در پی نجات افغانها از دست طالبان (دوستان آمریکا در جنگ با شوروی) در افغانستان به این کشور جنگ زده و فلاکت زده لشکرکشی کردند. اما در طی سالهای اشغال تعداد کشته شدگان افغانی ها بمراتب بیشتر از دوران حکومت طالبان شده است. علاوه بر این پای طالبان به پاکستان نیز کشیده شده و پاکستان را به یکی از نا امن ترین کشورهای جهان مبدل کرده است. کشت تریاک افزونی یافته ۹۰٪ از موار مخدر جهان در افغانستان تولید میشود درصد نا چیزی (۳٪) از در آمد این تجارت جنایت بار نصیب افغانها و بقیه که سر به میلیاردها دلار میزند

به جیب یا نکی ها، انگلیسی ها و دیگر گردانندگان تجارت مواد مخدر در جهان سرازیر میشود تنها ۱۰۰ هزار قاچاقچی فعال در خاک افغانستان فعالیت دارند که هر کدام باند گروه و پشتیبانهای خود را دارند. اخیراً اخبار مربوط به کشف معادن غنی فلزات رنگی در افغانستان و چنگ انداختن مخفی آمریکائیا به آنها پخش شد. بیان این حقیقت از سوی مک کریستال، بیهوده دانستن این جنگ و اشغال هشداروی و در رابطه با پیش رو داشتن روزهای سخت و دشوار اشغالگران در افغانستان و نداشتن استراتژیکی و برنامه روشن آمریکا و شرکایش در افغانستان خشم کاخ سفید را بر علیه کریستال بر انگیخت اینک کاخ سفید میکوشد فردی گوش فرمان تر را به رهبری نیروهای اشغالگر در افغانستان بر گزیند تا هرچه به او می گویند بلا فاصله بگوید «بیس سر».

اتحاد ضامن پیروزی است.

۱- لاهرودی

افغانستان دوم

بیش از سی سال است که در افغانستان جنگ داخلی در عین حال جنگ علیه تهاجم خارجی با شدت ادامه دارد. در سال ۱۹۷۳ ژنرال داوود خان با کودتای نظامی حکومت سلطنت را برچید بعد از این دیکتاتوری فردی بر افغانستان چیره شد. پنج سال بعد گروهی از نظامیان افغانستان با حمایت از حزب خلق قیام کردند. ژنرال داوود خان را از حکومت کنار انداختند از آن تاریخ به بعد افغانستان به یک صحنه نبرد و جنگ برادر کشانه تبدیل گردید. حزب خلق که حکومت را در دست گرفته بود نتوانست بر سراسر افغانستان مسلط شود. ارتش شوروی در چنین شرایط وارد افغانستان شد. تقریباً ۱۰ سال در کنار نیروهای مسلح افغانستان جنگید در نهایت امر، گارباچف ارتش شوروی را از افغانستان خارج کرد و بدین وسیله افغانستان راه دیگری را در پیش گرفت. گروهی به نام طالبان دست پخته پاکستان بودند. قدرت را به دست گرفت. رهبران افغانستان دموکراتیک را حلق آویز کردند. افغانستان به یک کشور قرون وسطایی مبدل گردد و منطقه را مورد تهدید قرار داد. ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نقطه عطف را در تاریخ افغانستان به وجود آورد. کشورهای ناتو تحت رهبری آمریکا به افغانستان حمله کردند. این حمله گرچه با کمک نیروهای شمال حکومت طالبان را سرنگون کرد. اما موفق نشد. جنگ در افغانستان را متوقف کند.

آسیای مرکزی بویژه افغانستان در طول تاریخ حکومت شوروی آرامش خود را باز یافت. حکومت های خود مختار در آسیای مرکزی تشکیل شد. در طول تاریخی ۷۰ ساله ای حکومت شوروی این منطقه شکوفا گردید. افغانستان دولت مستقل خود را به وجود آورد. موجودیت شوروی نه تنها صلح را در منطقه برقرار نمود. جلوی جنگ های بزرگ منطقه را گرفت. توازن در جهان باعث صلح پایدار شد. ۲۰ سال است که اتحاد شوروی از بین رفته هم جنگهای منطقه ای و هم جنگهای خورد و کلان پشت سر هم ثبات سیاسی را بهم زده. در جمهوریهای سابق شوروی کودتاهای مخملی پشت سر هم رخ داد. روسیه اولین کشوری بود که بعد از کودتای نظامی حکومتش بدست گروه فرصت طلب افتاد. برابری و عدالت اجتماعی از میان رفت اکثریت مطلق مردم روسیه با دشواری های گوناگون روبرو شدند. مشکل ترین مسئله گسترش فقر در روسیه است. در اوکراین انقلاب نارنجی یک گروه ماجراجو را به قدرت رساند. در گرجستان جنگ داخلی طولانی موجودیت این جمهوری را تهدید نمود و نهایت با کودتای مخملی هواداران آمریکا حکومت را در دست گرفتند. اراضی گرجستان تجزیه شد. قسمت اراضی آن از طریق مداخله نظامی به روسیه ملحق شد. روابط گرجستان و روسیه به هم خورد. ادامه در ص ۱۴

افغانستان دوم

ارمنی‌ها با استفاده از درهم و برهمی وضع ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان را اشغال نمود. محافل بین‌المللی و دولتهای بزرگ جهان جرئت نمی‌کنند. به ارمنستان به‌گویند. بالای چشم‌آبرو است. در آسیای میانه دولت‌های مستقل تشکیل گردید. جنگ داخلی در تاجیکستان گسترش یافت. چند سال طول کشید. تا ارتش روسیه به میان آمد و سرحدات تاجیکستان و افغانستان را زیر نظر گرفت و با مداخله ناتو در افغانستان نیروهای ضد تاجیکی در خارج از تاجیکستان ختنی شدند. طولی نکشید که اختلافات قومی در اوزبکستان در سرحدات قرقرستان شدت گرفت. اما دولت اوزبکستان این قیام را سرکوب نمود و عده‌ای زیادی به قرقرستان فرار کردند و در اینجا ماندگار شدند. حالا کودتا به داخل قرقرستان کشانده شده. مردم ساده بدون این که عواقب عمل خود را درک کنند با تحریک ماجراجویان و قدرت‌طلبان به خیابانهای می‌آیند. همه چیز را به هم میزنند. آتش‌سوزی به وجود می‌آورند. در مغازه‌ها را میشکنند. اموال مردم را غارت میکنند. این‌طور شد از لحاظ زمانی نه چندان دور آکایف از حکومت خلع گردید و در مسکو برای حفظ جان خود پناه گرفت. جای او را فردی بنام باکیف که از منطقه جلالاباد بود به قدرت رسید.

انتخابات به راه انداخت. خود را رئیس‌جمهوری قرقرستان اعلام نمود. اما قرقرستان نتوانست تحت رهبری باکیف اداره شود. مردم به‌کوچه‌ها و خیابانها آمدند. به کشت کشتار دست زدند. در نتیجه هزاران نفر کشته و زخمی شدند. باکیف نیز فرار کرد و در شهر مینسک پناه گرفت. حکومت موقت تحت رهبری روزا اوسنبايوا تشکیل گردید. حکومت جدید نه تنها نتوانست جلوی کودتاگران را بگیرد. بلکه وضع بدتر شد. جنگ میان قرقریزها و اوزبکها در ولایت اوزبک نشین اوش در گرفت. بدین ترتیب جنگ در کوچه بازار به شدت ادامه دارد. جنگ میان قرقریزها و اوزبک‌ها وضع را بدتر نمود. حکومت موقت برای آرام کردن وضع از روسیه کمک نظامی خواست. اما روسیه به این خواست جواب منفی داد. ارتش قرقریزستان در این جنگ درگیر شد. اما نتوانست به این جنگ پایان دهد. اکنون این سوال پیش می‌آید که آیا در آسیای مرکزی افغانستان دوم پیدا خواهد شد؟ باید حادثه را زیر نظر گرفت و دید که کودتای سوم کی و چه زمانی به وقوع خواهد پیوست

از میان نامه های رسیده به سایت فرقه دموکرات آذربایجان

در نامه ای که عنوان آن «ارتقاء شعور ملی مهمترین دست آورد جنبش دانشجویی آذربایجان» می باشد دو سؤال مطرح شده که یکی از آنها «دستاورد یک جنبش پس از ظهور و احتمالاً رسیدن به حد بلوغ چه میشود.» است. در پاسخ به این سؤال گفته میشود، رویکردهای مختلفی در تئوری انقلابها و جنبشها پدید آمده است. برخی ها جنبشها را عقلانی و حاصل محاسبات قدرت طلبانه عده ای از نخبگان به حاشیه رانده شده از قدرت جهت تصرف قدرت می دانند و از نظر آنها امواج توده های انسانی توسط این رهبران قدرت طلب برای رسیدن به اهداف شخصی به حرکت در می آیند و منافع این رهبران در قالب ائدیولوژیهای نو ظهور و البته با سوء استفاده و از باور داشتهای ملتها اهداف ساختمانی نو ساز می شوند. این دیدگاه بدبینانه که اغلب مورد قبول اندیشورانی است که از جنبشها متضرر شده اند.

در نقطه مقابل ایده دیگری قرار دارد که جنبشها را محصول یک ضرورت تاریخی و وجود یک نا عدالتی و تبعیض آشکار می دانند از نظر آنها جنبش سیاه پوستان افریقای جنوبی حاصل خود خواهی و قدرت طلبی ماندلا و اطرافیانش نبوده و جنبش ضد خشونت هند نیز به هواهای نفسانی و قدرت طلبی گاندی بر نمی گردد. بلکه ظهور رهبران و جنبشها خود ساخته یک ضرورت تاریخی و نا عدالتی است که ملتهای مزبور به آن دست به گریبان بوده اند.»

... «مرور تجربه های مزبور نشان میدهد که مهمترین و مبارکترین وظیفه نقش دانشجویی آذربایجان نقد قدرت و نهادهای نا عادلانه و مرتجع کنونی، ایجاد تصویری نقادانه از فردایی بهتر و پی ریزی بستری برای تربیت رهبران فکری سیاسی و اقتصادی آینده است.» و...

این حق کودکان آذربایجانی است که بزبان مادری
خود تحصیل کند.

ایران زیندانلاریندا یاتان مباریز او غول و قیزلاریمیزا اتحاف انیره م. (زینداندان مکتوب)
گوزله منی عزیزیم،
باسیب سینمین اوسته
منیم لاله یاناقلمیم،
قیزیل گولدن تمیزیم.
پرده بیلیر دوستلاریم،
گویده بیلیر آلاهیم،
آزادلیق سوگیسیدیر
منیم آنجاق گوناھیم.
سنی ده چوخ سویرم،
دوغما او غلوموزودا،
سیزدن باشقا کیمیم وار
کیمیم واردیر دنیادا.

آنام اوزولدو گندی،
آتام چرلدی گندی،
حقسیزلیغین الیندن.
اونلارین گولو اوزون
گورمه دیم بیر کره من.
بورادا منمله قوشا
یاتان ایگیدلره باخ!
ظلمتین قوجاغیندا
باتان ایگیدلره باخ!
کسیبلر یولوموزو
قایا کیمی، داغ کیمی
یانیر سنیمین آلتدا
اوره بیم او جاق کیمی
سسیمیزه سس وئره ن
حالیمیزا یانان یوخ
کیمی دانیشدیریرسان
سوینجی آز، دردی چوخ.
گجه لرده یوخومدا

او غلومون نفه سینی
دویورام گجه لر من،
اونونلا کدریمی
دویورام گجه لر من.
سنین آجی طالعیین
قلبیمی یاخیر گولوم.
اودور باشیمین اوستن
بیر اولدوز باحیر گولوم
بکله بیر گون اولدوز تک
گوله جکدیر بختیمیز
آزادلیق اولاجاقدیر
بیزیم قیزیل تختی میز.
گوزله منی عزیزیم!
منیم لاله یاناقلمیم،
قیزیل گولدن تمیزیم
گوزله منی عزیزیم!
عارف صفا ۲۰۱۰